

## فصل اول: زیبایی آفرینش

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی

### قلمرو زبانی :

این بیت ۴ جمله دارد .

فعل جملات اول و دوم و چهارم گذرا به مفعول است و کلمات چشم دل ، جان، آنچه نادیدنی است و آن ، نقش مفعول دارند .

**قلمرو ادبی :** ترکیب « چشم دل » آرایه تشخیص دارد .//جان و آن آرایه جناس دارد .//تناسب بین واژه های چشم و دل و جان برقرار استواج آرایه: تکرار واج « ن »/ مصراع دوم آرایه تناقض ( پارادوکس) دارد.

**تناقض یا پارادوکس :** آوردن دو کلمه یا دو معنی که ضد هم باشند و باهم قابل جمع نباشند . در این جا بین دو کلمه « نادیدنی » و « بینی»/

**قلمرو معنایی :** عاشقانه بنگر تا خداوند را ببینی . و هر آنچه نادیدنی است آن را ببینی

### درس اول «پیش\_از\_این\_ها»

لحن روایی و خرده لحن توصیفی/قالب شعر: مثنوی

پیش از این ها فکر می کردم خدا خانه ای دارد میان ابرها

مثل قصر پادشاه قصه ها خشتی از الماس خشتی از طلا

**قلمرو زبانی :** کل دو بیت دو جمله دارد .

پیش از اینها فکر می کردم ،خدا خانه ای مثل قصر پادشاه قصه ها ، خشتی از الماس و خشتی از طلا ، میان ابرها دارد . فعل های می کردم ( انجام می دادم ) و دارد هر دو گذرا به مفعول

**قلمرو ادبی :** بیت تشبیه دارد. بین «قصر و پادشاه» ، «الماس و طلا» آرایه تناسب(مراعات النظیر)واج آرایه : - در مصراع اول / تکرار : خشتی

**قلمروی زبانی :** نکات دستوری : قصرپادشاه قصه ها ، الماس ، طلا : متمم(مثل در معنی مانند هم ادات تشبیه هست هم حرف اضافه).

پایه های برجش از عاج و بلور برسر تختی نشسته با غرور

قلمرو زبانی : بیت اول دو جمله . فعل جمله اول ( است ) اسنادی و محذوف است // فعل جمله دوم ( نشسته است ) ناگذر است .

قلمروی ادبی: آرایه: از عاج و بلور بودن: کنایه از باارزش و قیمتی بودن /عاج:دودندان پیشین  
فیل /بلور:شیشه ای.

ماه برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

رعد و برق شب طنین خنده اش سیل و طوفان نعره ی توفنده اش

در دوبیت بعد ۴ جمله اسنادی با فعل محذوف ( است ) داریم .

**قلمروی ادبی:** چهار تشبیه اسنادی در دو بیت پایانی داریم . /واژه‌های ماه ، هر ستاره ، رعد و برق شب و سیل و طوفان ( مشبه ) و برق ، پولک ، طنین خنده و نعره ( مشبه به ) هستند // بین رعد و برق و طوفان وسیل تناسب و مراعات النظیر / حذف فعل

**قلمروی زبانی:** رعد و برق شب : مسند الیه / طنین خنده اش : مسند / سیل و طوفان : مسندالیه / نعره توفنده اش : مسند

**دانش افزایی:** طوفان: کلمه ای عربی در معنی باد و باران شدید // توفان: از مصدر توفیدن و به معنای فریاد بلند کشیدن، غرنده، غوغا کننده.

**قلمرو معنایی:** تصور عظمت افسانه وار و هولناک خداوند در ذهن کودکی های شاعر

هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست

**قلمرو زبانی:** دو جمله دارد . جمله اول اسنادی و آگاه مسند است .

جمله دوم ( را ) ی تغییر فعل دارد و فعل جمله تبدیل به « دارد » می شود: « هیچ کس در حضورش راهی ندارد . ( یا می توانید را : به معنای برای حرف اضافه بگیریید / در حضور او : متمم نیست : به معنای وجود ندارد فعل غیر اسنادی جمله.

**قلمرو ادبی:** غیر از آرایه های تکرار و تناسب یا مراعات نظیر // راه نداشتن کنایه از اجازه نداشتن است. / آرایه تکرار : تکرار واژه « هیچ کس //

**قلمرو معنایی:** بیان تصور در دسترس نبودن خداوند در ذهن کودکی های شاعر

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خانه اش در آسمان دور از زمین

**قلمرو زبانی:** بیت نخست سه جمله دارد. دو جمله اول اسنادی و جمله سوم فعل محذوف «بود» در معنای «قرار داشت» می باشد. بیت دوم هم سه جمله دارد. فعل «بود و نبود» در مصراع اول به معنای «وجود داشتن» و غیر اسنادی است و فعل جمله پایانی اسنادی و تمام مصراع مسند است. / آن خدا: مسندالیه / بی رحم و خشمگین: مسند / خانه اش: مسندالیه // آسمان: متمم / دور: مسند / زمین: متمم فعل بود به قرینه لفظی حذف شده است. / مهربان، ساده، زیبا: مسند نبود در مصراع دوم: فعل اسنادی است. / نهاد جمالت: خدا است، که حذف شده

**قلمرو ادبی:** مراعات نظیر بین زمین و آسمان / زمین: (منظور مردم ساکن در زمین است.) / واج آرای صامت خ/بیت دوم: آرایه ی تناقض (پارادوکس): بین «بود» و «نبود»

**قلمرو معنایی:** بیان تصور زشتی و هولناکی و نزدیک نبودن خداوند در ذهن کودکانی های شاعر

**معنای بیت دوم:** آن خدا وجود داشت اما از ما دور بود و آن خدا مهربان و ساده و زیبا نبود.

### در دل او دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت.

**قلمرو زبانی:** بیت دو جمله دارد. با دو فعل گذرا به مفعول، دوستی جایی (را) در دل او نداشت. مهربانی، هیچ معنایی (را) نداشت. فعل ها از مصدر داشتن غالبا مفعول هایی بدون نشانه (را) دارند. / دوستی و مهربانی: نهاد جمله / دل او: متمم / جایی و هیچ معنایی: مفعول

**قلمرو ادبی:** چیزی در دل جا داشتن کنایه از علاقه مند بودن و عشق ورزیدن // آرایه تناسب و واج آرای (ی)

(هم دیده می شود. واژه های «جایی و معنایی» کلمات قافیه هستند.

**قلمرو معنایی:** تصور نامهربان بودن خداوند در ذهن کودکانی های شاعر

### هرچه پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها

### زود می گفتند: این کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست

**قلمرو ادبی:** تناسب: بین "زمین، آسمان، ابرها" / واج آرای: ز در بیت اول و "ر - ک - آ" در بیت دوم / آرایه تکرار: تکرار واژه «کار» در بیت دوم

**قلمرو زبانی:** خود، خدا، زمین، آسمان، ابرها، کار: متمم / هرچه: در بیت اول مفعول / در بیت دوم جمله بعد از می گفتند برای فعل می گفتند: مفعول هستند / «این کار» و «پرس و جو»: مسندالیه، / «خدا» «و» کاری خطا: مسند «پرس و جو، کاری خطا است. (کاری خطا گروه مسندی است) / بیت اول یک جمله، بیت دوم سه جمله.

**قلمرو معنایی:** بیان تصورات نادرست مردم در مورد خداوند.

نیت من در نماز و در دعا      ترس بود و وحشت از خشم خدا

قلمرو زبانی : بیت اول دو جمله است : نیت من ... ترس بود و ( نیت من ) وحشت ... بود . واژه های ترس و وحشت مسند هستند . خشم خدا : متمم . / حذف فعل « بود » به قرینه ی لفظی

قلمرو ادبی : تکرار و تناسب بین " نیت، نماز، دعا » و « ترس ، وحشت ، خشم » در بیت اول دیده می شود

پیش از این ها خاطر م دلگیر بود      از خدا در ذهنم این تصویر بود

**معنای بیت :**

در گذشته همیشه ناراحت و غمگین بودم و از خدا تصویر وحشتناک و بی رحمی در ذهن داشتم.

**قلمروی زبانی :** بیت دو جمله دارد . جمله اول اسنادی است ولی فعل جمله دوم به معنای « وجود داشت » می باشد و غیر اسنادی است : این تصویر وجود داشت . ( نهاد و فعل ) // خاطر م : مسندالیه / دلگیر : مسند / پیش از این ها : قید / بود : فعل اسنادی / این تصویر : مفعول / خدا : متمم / ذهنم : متمم / بود به معنای داشتن : فعل غیر اسنادی

**قلمرو ادبی :** بیان تصورات نادرست از خداوند در ذهن کودکی های شاعر (دلگیر: گرفته و غمگین)

تا که یک شب دست در دست پدر      راه افتادم به قصد یک سفر

در میان راه در یک روستا      خانه ای دیدیم خوب و آشنا

قلمرو زبانی : هر بیت یک جمله است . ( به ) راه افتادم ، یک عبارت فعلی و ناگذر است : ( من ) راه افتادم . مرتب شده بیت دوم : ( ما ) در میان راه ، در یک روستا ، خانه ای خوب و آشنا ( را ) دیدیم

قلمرو ادبی : راه افتادن کنایه از رفتن و حرکت کردن است . / بیت اول واج آرایبی (ر) // تکرار دست / مراعات نظیر : قصد ، سفر ، راه / دست در دست : کنایه از همراهی

قلمرو معنایی : با مهربانی ها خداوند مهربان شناخته می شود .

زود پرسیدم پدر این جا کجاست؟      گفت: این جا خانه خوب خداست

**قلمرو زبانی :** بیت پنج جمله دارد . جمله دوم « پدر » منادا است . می توان دو جمله سوم و پنجم را اسنادی دانست . اینجا ، کجا است : « کجا » مسند است و « اینجا » نهاد . / زود : قید / پرسیدم : فعل غیر اسنادی // کجا : مسند ، خانه خوب خدا : مسند

**قلمرو ادبی :** تکرار ، تناسب و واج آرایبی ( خ - ج ) در مصراع دوم دیده می شود

**قلمرو معنایی** : خداوند در حضور و در دسترس است .

**گفت** : اینجا می شود یک لحظه ماند گوشه ای خلوت ، نمازی ساده خواند

**با وضویی دست و رویی تازه کرد** با دل خود گفت و گویی تازه کرد

**قلمرو زبانی** : بیت اول سه جمله دارد . بیت دوم ، دو جمله دارد . / توجه : فعل های جملات داخل گیومه ، همگی ، بی نهاد است . // مرتب شده جمله اول : اینجا یک لحظه ، می شود ماند : فعل های « می شود ماند » ، « می شود خواند » ، « می شود تازه کرد » در هر دو مصراع بی نهاد هستند.

**معنای بیت** : گفت : می شود اینجا یک لحظه ماند ؛ گوشه ای خلوت نماز ساده ای را خواند / با وضویی صورت را شست و شاداب کرد و با خدا گفتگوی جدیدی کرد.

**قلمرو ادبی** : به جز تناسب (دست،رو،دل) و تکرار ، گفتگوی با « دل » تشخیص دارد . // « دست و رویی و گفت و گویی » کلمات قافیه هستند

**قلمرو معنایی** : خداوند نزدیک تر و حضور در درگاهش ساده تر از آن چیزی است که می اندیشیم.

**گفتمش : پس آن خدای خشمگین** خانه اش اینجا است ؟ این جا در زمین ؟

**قلمرو زبانی** : بیت سه جمله دارد . « شَس » در واژه ی « گفتمش » ضمیر پیوسته در نقش متمم است : به او گفتم ... مرتب جمله دوم چنین است : پس ، خانه ی آن خداوند خشمگین ، اینجا است ؟ قسمت مشخص شده نهاد است و فعل « است » در معنای « قرار دارد » غیر اسنادی است / حال نهاد جمله سوم چیست ؟

**قلمروی ادبی** : واج آرایبی " خ " / تکرار : اینجا/تناسب

**قلمرو معنایی** : بیان نزدیکی و حضور خداوند در هستی

**گفت** : آری خانه ی او بی ریاست فرش هایش از گلیم و بوریاست

**مهربان و ساده و بی کینه است** مثل نوری در دل آینه است

**قلمرو زبانی** : بیت نخست چهار جمله دارد . « آری » جمله دوم بیت یک شبه جمله است .

بیت دوم ، دو جمله دارد . // چهار جمله ی پایانی این دو بیت همگی اسنادی است .

گروه های مسندی در جملات بالا : « بی ریا » ، « از گلیم و بوریا » ، « مهربان و ساده و بی کینه » و « مثل نوری » می باشد.

**قلمرو ادبی:** تناسب ("خانه، فرش، گلیم، بوریا") شبکه معنایی ساخته اند. جناس (بی ریا و بوریا) در بیت اول دیده می شود. \*بجز تناسب، بیت دوم تشبیه هم دارد: خداوند مانند نور است. \*منظور از آئینه در مصراع پایانی انسان است.

**قلمرو معنایی:** بیان ویژگی های سادگی، مهربانی و دوستانه بودن و امید بخشی و هدایت گری خداوند معنای بیت: خداوند ساده و دور از دشمنی و انتقام می باشد و مانند نوری در دل انسان های پاک قرار دارد.

**عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی**

**قلمرو زبانی:** بیت سه جمله دارد. هر سه جمله اسنادی است. \*«خشم و دشمنی»، «نور» و «روشنی» مسند هستند.

**قلمرو ادبی:** تناسب در بیت و واج آرایبی با تکرار واج "ن" در مصراع دوم و "ش" در کل بیت در مصراع دوم. \*روشنی هم با نور مناسبت دارد و هم می تواند منظور از آن، همه ی خوبی ها باشد. \*تلمیح به آیه ی «الله نور السماوات و الارض»، یکی از نام های خداوند تبارک و تعالی "نور" است

**قلمرو معنایی:** بیان مهربانی و صمیمیت و پاکی خداوند

نشان خدا هم روشنی است: هر کس که خدا او را به راه خود هدایت کند به روشنی و هدایت رسیده است.

**تازه فهمیدم، خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست**

**دوستی از من به من نزدیک تر از رگ گردن به من نزدیک تر**

**قلمرو زبانی:** بیت اول، سه جمله دارد. «فهمیدم» فعلی گذرا به مفعول است و مفعول آن تمام جملات بعدی است. \*بیت دوم یک جمله است. مرتب شده اش چنین است: (او) دوستی از من به من نزدیکتر (و) از رگ گردن به من نزدیک تر است. \*واژه ی «دوستی» مسند است.

**قلمرو ادبی:** تکرار در این دو بیت آشکار است. \*مصراع پایانی تلمیحی به آیه ی «و نحن اقرب من حبل الوريد» دارد. سوره (ق) آیه ۱۷

**قلمرو معنایی:** بیان مهربانی و شدت نزدیکی خداوند به ماست.

**می توانم بعد از این با این خدا دوست باشم دوست پاک و بی ریا**

**قلمرو زبانی:** بیت سه جمله دارد: ( من ) می توانم // ( من ) بعد از این ، با این خدا ، دوست باشم // ( من ) پاک و بی ریا ، دوست ( باشم ) // واژه ی « دوست » مسند است .

**قلمرو ادبی:** تکرار در این دو بیت آشکار است .

**قلمرو معنایی:** بیان احساس دوستی و صمیمیت با خداوند

### حکایت به خدا چه بگویم

**پیام حکایت:** خداوند را حاضر و ناظر دیدن و توصیه به امانت داری و نیکوکاری

تلمیح به سوره نساء آیه ۵۸: ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها(همان خداوند به شما فرمان داده که امانت ها را به صاحبان آن برگردانید.

**معنی لغات و نکات زبانی و ادبی:** وسفندان اربابش : مفعول جمله ، به صحرا : متمم

برد: فعل گذرا / اربابش : مضاف و مضاف الیه ش : به معنای خود ، ضمیر مشترک که در اینجا نقش مضاف الیه را دارد . / " سر گرم بودن " : کنایه از مشغول کاری بودن / گوسفندان : مضاف و مضاف الیه ، / " ت " ضمیر متصل دوم شخص مفرد / خداوندش را : " را " در اینجا حرف اضافه است به معنای " به " و " خداوند " متمم ، " ش " در خداوندش ضمیر متصل سوم شخص مفرد / چَرا : چریدن // انبوه : بسیاری // سطر چهارم : پنج جمله دارد. « نه و هرگز » شبه جمله اند.

آن من : مال من // خداوند در سطر هفتم : صاحب و مالک (خداوندش را بگوی) به صاحبش بگو

**واژه شناسی:** ارباب جمع رب و معنای خدایان و دارندگان دارد، اما امروزه در فارسی در معنای مفرد به کار می رود. در اینجا یعنی آقا و کارفرما... غلام نیز معنای خدمتکار دارد.